

نقش سیاست در اقتصاد مولد پس از انقلاب ۱۳۵۷

جواد بهمنی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

اسماعیل شفیعی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲

محمدعلی شهریاری^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش سیاست در اقتصاد مولد پس از انقلاب ۱۳۵۷ می باشد. روش در این تحقیق بر اساس روش کیفی و تاریخی قرار گرفته است. در این تحقیق رویکرد به موضوع اقتصاد سیاسی می باشد. روش تحلیل از نوع تاریخی می باشد. بررسی ها نشان داد پذیرش سرمایه مولد در بخش های متعدد و همچنین بروز و ظهور افکار در مسیر ایجاد ارزش افزوده در جامعه به صورت مختلف، تبدیل سرمایه راکد به سرمایه مولد توسط برنامه‌ریزی‌ها در قالب طرح‌ها یا لوایح قانونی بسیار کم رنگ بوده و خود باعث خسارات کلان به داشته‌های قابل استفاده در مسیر رشد و توسعه شده است، که بنیانی برای شکل گرفتن اهداف خاص این تحقیق را شامل شد. تاثیر عوامل داخلی و خارجی، کاهش حضور در بازار آزاد دنیا و عدم وجود بازار آزاد واقعی در کشور و نبود قوانین حمایتی محکم از مالکیت خصوصی، نبود نظارت جامعه مدنی بر رفتار قدرت، تقویت شکل‌گیری سرمایه‌ی تجاری ایران به علت نبودن عرصه مناسب برای رقابت سرمایه داری مولد در تحقیق دیده شده است.

کلمات کلیدی: سرمایه گذاری مولد، نقش سیاست، اقتصاد سیاسی

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

esmailshafie@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

The role of politics in a productive economy after the ۱۹۷۹ revolution

Abstract

The purpose of this study is to investigate the role of politics in the productive economy after the ۱۹۷۹ revolution. The method in this research is based on qualitative and historical methods. In this research, the approach is to the subject of political economy. Studies have shown that the acceptance of productive capital in various sectors, as well as the emergence of ideas in the path of creating added value in society in various forms, the conversion of stagnant capital into productive capital by planning in the form of very faint plans or bills, Which became the basis for the formation of specific objectives of this research. The impact of internal and external factors, reduced presence in the world free market and the lack of a real free market in the country and the lack of strong laws protecting private property, lack of civil society oversight of power behavior, strengthening the formation of Iranian business capital due to lack of suitable arena Productive capitalist competition has been seen in research.

Keywords: productive investment, the role of politics, political economy

۱. مقدمه

در تاریخ دویست سال گذشته ایران ساختار جامعه و ارتباط آن با حاکمیت و نوع حاکمیت راهی روشن مقابل افراد برای انباشت سرمایه قرار نمی داد و فرهنگ جامعه در حال آموزش و خود باوری نبود. ایجاد انباشت سرمایه در مسیر تولید و یا همان سرمایه مولد در نگاه فرهنگی در جامعه زمانی جایگاه حسن خود را می یابد که جوانب متفاوت آن به مردم شناخته شود. جایگاه اقتصاد و علم اقتصاد و ارتباط مستقیم آن با تصمیمات سیاسی کشور و کنش گری جامعه و تاثیر جامعه مدنی در نظارت بر امور جاری کشور آموزش داده شود و نگاه و سطح آگاهی مردم ایران همسان با کشورهای پیشرفته یا در حال توسعه متحول و مسئولیت پذیر گردد.

غیبت این عوامل در ایران بخصوص پس از انقلاب مشروطه زمان رضا شاه و محمد رضا شاه باعث شد این عقب افتادگی تاریخی در مرحله رشد سریع و توسعه کشورهای دیگر با نادانی ژرف از این موضوع و عدم وجود دولت-ملت با تعریف جدید خود سایه آسیب پذیری کلان در حوزه سیاسی و اجتماعی جهت پذیرش ساختار نظام سرمایه داری به مفهوم واقعی انباشت سرمایه در مسیر تولید و کسب حداکثر سود برای جامعه و سرمایه گذار با نمایش مقاطع کوتاه مدت رشد در زمینه های مختلف یک پروپاگاندای مصنوعی و عدم ورود به راه توسعه به مفهوم رشد همه جانبه و پایدار را از اذهان دور کند تا در این روش حداکثر رانت های قابل استفاده در ساختارهای اقتصاد دولتی پس از مشروطه تا کنون که نفت وارد عرصه کشور داری و حل راحت و بی برنامه اقتصاد سیاسی شد تاکنون ادامه یابد.

بالا رفتن قیمت نفت در ۱۳۵۲ زمان محمدرضا پهلوی بود. تا این زمان رضا شاه و پسرش سعی کرده بودند نوعی بورژوازی را در کشور بنیان گذاری کنند و پهلوی دوم بخصوص بعد از گران شدن نفت این سعی را افزایش داد. اما پس از انقلاب اسلامی هرگز برنامه منسجم اقتصاد سیاسی در جهت توسعه کشور دیده نشده است و گویا فقط برنامه برای غروب آفتاب امروز است. و فردا با دستورات جدید شروع می شود هم سیاسی و هم اقتصادی که به آن مربوط است. گذار ایران به سرمایه داری از کدام مسیر ها طی میشود. آیا مجموعه مدیریتی کشور بر حرکت بر مبنای اقتصاد سرمایه داری تفاهم دارند؟ طی زمان بعد از ۱۳۷۰ و جنگ تحمیلی به ایران از طرف عراق و همراه بخش اعظم دنیا، مدیران اقتصادی و مجموعه حاکمیت بر اقتصادی به نام اقتصاد بازار متفق شدند و علت کند بودن توسعه را اقتصاد دولتی نامیده شد، تا ارزش اقتصادی تولید حفظ گردد در حالی که طبق آمار سال ۸۵ موجود در سایت آمار کشور درآمد کشاورزان کاهش یافته و حتی تاسیس تعاونی شهر روستا و دادن وام تنها مخارج جنبی آنانرا تامین می کند. جنبش والستریت این نهیب را بر می آورد، برای بهینه کردن نظام لیبرالی سرمایه داری باید به چه شکل سیاست های کشور را تنظیم کرد تا حداکثر توزیع بهینه ثروت بین افراد صورت گیرد. وابستگی مدام به محصولات فسیلی در دولت های رانتیر و تحصیلدار که خود بنیان فساد را با آهنگی تند به حرکت در آورده اند (۱۳۷۰-۱۳۹۸) اما در کشوری که سرمایه گذاری و سرمایه داری شفاف رشد نکند صاحبان سرمایه بسته به شرایط هر کشور، و در کشور ایران به سمت سرمایه داری تجاری سوق پیدا می کنند. حرکت برای رسیدن به سود بیشتر در مدت کمتر و یعنی استفاده از انباشت آن در مجرای غیر تولیدی و حداکثر افزایش تجارت، داخل کردن اجناسی که می بینند مورد نیاز است و بر اثر سیاست ناقص جایگزین مناسب برای تبادل تولید با تولید در کار نیست و فقط در فضایی نفت آلود و سرشار از پتانسیل انرژی فسیلی و معادن فقط رشد سرمایه داری تجاری را در خود ببینند که هیچ سودی از آن به مردم نخواهد رسید حتی اگر شفاف باشد که در کشور با اذعان مراجع متعدد اکثرا نامشخص است. ایجاد فقر و فاصله طبقاتی بسیار بدون امید به رسیدن به طبقه متوسط پایدار، چرا اقتصاد چنین فرجامی یافته تاثیرات سیاسی بر اقتصاد که در این تحقیق اقتصاد سیاسی نامیده شده اساسیترین علت در این دوره و در تاریخ ایران است.

بلا فاصله پس از انقلاب اسلامی جدایی طلبان کشور را در مناطق مختلف به آشوب کشاندند و همزمان جنگ تحمیلی باعث سوق پیدا کردن تمام امور اقتصادی برای رویاروی با متجاوزین شد و خسارتهای سنگین آن بر کشور پس از جنگ

چهار چوب برنامه ریزی مناسب را برای کشور محدود کرد اما در نهایت نیز به جای سیاست توسعه آنچنان که بیان شد سیاست رشد در پیش گرفته شد که در دولت های مختلف نیز تغییر محسوسی در این حیطه صورت نگرفت هم زمان تحریم های کشورهای صاحب تکنولوژی و طرح ایران هراسی جذب سرمایه های داخلی و خارجی را برای کشور به شدت محدود کرد. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش سیاست در اقتصاد مولد پس از انقلاب ۱۳۵۷ می باشد.

۲. روش تحقیق

روش در این تحقیق بر اساس روش کیفی و تاریخی قرار گرفته است. در این تحقیق رویکرد به موضوع اقتصاد سیاسی می باشد. روش تحلیل از نوع تاریخی مبنی بر روش تفهیمی ماکس وبر انجام می شود هر چند می توان رویکرد جامعه شناختی و یا بستر سیاسی قدرت را نیز که از عوامل موثر در ساختار نظری تحقیق می باشند، مورد نظر داشت اما رویکرد تاریخی در مسیر خود این مجموعه را نیز پوشش می دهد و نیازی به خروج از آن نیست. روش تحقیق در این مطالعه بر اساس علل و احکام روش استقرائی بنیان می یابد. که با نگاه تفهیمی وبر، مبنی بر فهم و درک عوامل علت شناسی موضوع و شرایط تاریخی، زمانی و مکانی در بستر تحقیق، ما را یاری می دهد، تا بتوان تحلیل علمی و راهکار عملی بر آن بار نمود. شیوه کار استفاده از تمام منابع موجود و مرتبط کتابخانه ای در این زمینه از نوشتاری، سخنرانی، مستند، و... همچنین آسیب شناسی خود در بر گیرنده بررسی و نگاه و دخالت علوم مختلف که امکان دارد در موضوع تاثیر گذار باشد.

۳. مبانی نظری پژوهش

۱.۳. اقتصاد سیاسی

اقتصاد دانان قرون هجده و نوزده نخستین کسانی بودند که اصلاح "اقتصاد سیاسی" را به کار بردند. دورانی را که اقتصاد سیاسی در بر می گیرد نمی توان دقیقاً بیان کرد، ولی به طور مشخص تری می توان گفت که این دوران از ثروت ملل آدم اسمیت در ۱۷۷۶م. تا اصول اقتصاد سیاسی جان استوارت میل در ۱۸۴۸م. تداوم دارد. البته دوره فراگیرتری را نیز می توان بیان کرد که از فیزیوکرات ها در میانه قرن هجدهم شروع می شود و با مرگ کارل مارکس در ۱۸۸۳م.، که بسیاری او را به عنوان آخرین اقتصاددان سیاسی کلاسیک مهم می دانستند ادامه می یابد. که ابداع اقتصاد سیاسی کلاسیک به خود مارکس نسبت داده می شود (کاپوراسو، لوین ۱۳۹۲).

سرمایه داری می تواند به دوشکل تاریخی خود را بروز دهد، سرمایه گذاری خصوصی که تاکنون هر چه رفت در مورد سود دو جانبه و شاخصه ها در مورد آن بود. یا سرمایه گذاری دولتی دولت ها نیز می توانند با استفاده از ذخایر خود مانند فروش منابع فسیلی و یا سرمایه گذاری زیر ساخت های ارتباطی و هر آنچه بخش خصوصی سرمایه گذاری می کند توسط دولت انجام شود. این نگاه سرمایه گذاری سوسیالیستی می باشد که بر اساس نگاه کارل مارکس ایجاد شد و این روش در شوروی سابق حدود هفتاد سال اجرا شد. اما به دلایل مختلف از بین رفت و بازه مناسب برای مردم نداشت.

مهمترین آن ایجاد دولت رانتیر بود که با سوء استفاده از منابع ملی سرمایه گذاری را بسمت سود آوری مناسب سوق نمی داد. فساد ناشی از تجمع ثروت در قدرت افراد دیکتاتوری تربیت می کرد که توانایی همسویی استحکام دولت-ملت را از دست می دادند در نتیجه پشتیبانی عمومی نداشتند. فقر و عدم وجود حداقل های یک زندگی انسانی و از بین رفتن کرامت و جایگاه افراد و نوعی برده داری نوین، چند فاکتور که جای سرمایه داری دولتی را به خصوصی داد و باعث افزایش سود دوجانبه سرمایه گذار و مردم از سرمایه شد.

برخی کشورها به جای سرمایه گذاری مناسب و ایجاد فضای رقابت در روند سرمایه گذاری به سمت سرمایه گذاری تجاری می روند. در اینگونه کشورها قوانین مشخص و حمایتی از سرمایه و سرمایه گذاران، حفظ و تامین امنیت کامل مالکیت خصوصی، صورت نمی گیرد در نتیجه تولیدات آن کشور قدرت رقابت در بازار جهانی برای یک تجارت سرمایه زا که قدرت انباشت و تولید را داشته باشد نخواهد داشت و بدین صورت برای رفع احتیاجات کشور سرمایه گذاری تجاری شامل وارد کردن کالاهای مورد نیاز مردم شکل می گیرد. این عمل با عدم ثبات اقتصاد همراه شده و میزان سود بدون ریسک پذیری و تلاش سرمایه گذار در تجارت را افزایش می یابد، که خود انگیزه فراوانی برای پیگیری این نوع سرمایه گذاری است. ولی سود حاصل از این گونه سرمایه گذاری وارد عرصه تولید نمی شود و حداکثر بر میزان واردات اثر گذار خواهد بود. در حالی که در سرمایه گذاری مولد و تولیدی هر چند ریسک پذیری می خواهد اما سود آن وارد چرخه تولید می شود و تجارت تولیدات یا توسط خود شرکت ها یا توسط شرکتهای بازرگانی طرف قرارداد با آنها انجام می شود، در هر دو صورت سود با نظارت کامل سازمان های مستقل صرف پیشرفت جامعه و کشور خواهد شد (اورز، ۱۳۸۶).

۲.۳. شاخصه های سرمایه گذاری مولد

اینک نظام سرمایه داری در سطح دنیا ساختار اقتصادی اکثر کشورها را شکل می دهد اما چرا این ساختار. برخلاف نظام اقتصادی سوسیالیستی و کمونیستی موفق شد خود را چنین پایدار نگاه داشته و مدام رشد کند. در حال حاضر ساختار اقتصادی رقابتی در بازار مسیر کشورها را علاوه بر جستجوی رفتار اقتصادی شهروندان جهت تولید مناسب و کسب سود بیشتر برای رفع خواست های مصرفی سرمایه های انسانی و تکنولوژیک بسیاری را در جهت یافتن بازار در نظام جهانی می کند. این امر منجر به ایجاد مراکز تولید و ورود به عرصه توسعه برای کشورهای توسعه نیافته می گردد، که می توانند این روند را بومی سازی نمایند. داده های مراکز اقتصادی بین المللی از نظر رشد و توسعه ضریب جینی (سطح توزیع مناسب ثروت در کشور) نشان می دهد کشورهای با حفظ دموکراسی و بازار رقابتی در تمام زمینه های مهم رفاه عمومی و گسترش و کسب دانش، انباشت داده های علمی، حرکت در دنیای اطلاعات و هر آنچه مرتبط با زیست بهتر انسان و گشایش نادرسته های بشری می شود، پیشگام هستند. رشد بسیار سریع جمعیت جهان و افزایش میانگین طول عمر، فزونی دانایی بشر و تکامل فکری در دو سده گذشته نشان از آن دارد که مسیر انباشت سرمایه جهت تولید در جهات

مختلف نیاز بشری و کشف نادانسته‌ها حرکتی بوده که آگاهانه انسان برای بقای خود و تسلط بر مشکلات طبیعی انتخاب نموده است. (ازغندی، ۱۳۹۱).

۳.۳. شکل‌گیری سرمایه‌داری در ایران

در ایران و تاریخ بر رفته آن تجمع سرمایه در دست ملاکین و فئودال‌ها صورت نمی‌گرفت زیرا اساساً فئودالیت به مفهوم ملکیت بر زمین به صورت واقعی در آن نبود. زمانی که مستبدین در اغلب نقاط دنیا خود را ملزم به حفظ مالکیت خصوصی و احترام به قانون به ارث رسیدن زمین می‌دانستند در ایران این امر معنا نداشت. بدین سبب در آن حوزه استبداد مطلق نبود ولی در ایران شاه بر عموم مردم که حکم رعیتش را داشتند تسلط مطلق می‌راند حتی به نزدیکترین افراد خود نیز در اثر سوء تفاهمی غضب می‌گرفت و مال و جان او را می‌ستاند. اموالش را به دیگری می‌بخشید و بدینسان هر مالک موقتی برنامه خود را باید در رسیدن به نفع حداکثری در زمان حداقلی قرار می‌داد.

این رفتار از طرف متخبین شاه در ایالات و شهرهای مختلف هم تسری یافته و به واسطه این انتصاب حق مالکیت را از هر آنکس می‌خواستند می‌گرفتند. اگر حقی قائل شده بودند. کم‌آبی در ایران و استبداد شرقی دوبازویی بود که روند حرکت تجمع ثروت و بروز خلاقیت را از ایرانیان گرفت. در ایران چیزی بعنوان برده داری مانند روم و یونان سابقه نداشته است که نابودی آن گذار به فئودالیت را هموار کند. اما تمرکز قدرت سیاسی در نتیجه واگذاری یا به زور وجود داشته و مفهوم قانون را در ایران نقش می‌داده است، به این دلیل مالکیت پشتوانه قانونی نداشته و زمین و سرمایه و رانت برای تجارت به کسانی تعلق می‌گرفته که در نگاه قدرت سیاسی متمرکز قابل اعتماد بودند. و اگر مورد غضب قرار می‌گرفتند قدرت سیاسی به زور املاک و دارائی آنها را به نفع خود ضبط و به کسانی که می‌خواستند در ازای خدمات حفظ و گسترش قدرت سیاسی مرکزی می‌داد. بدین رو اصل اساسی فئودالیت در ایران که مالکیت مورثی و نگهداری دارائی به پشتوانه قانون یا قرارداد معین وجود نداشت.

قابل مشاهده‌ترین شکل نوعی سرمایه‌داری شاید از زمان شاه عباس در دوران صفویه در ایران شکل گرفت. " سرمایه داری تجاری"، پس از بهبود روابط خارجی ایران با برخی دویت‌های اروپائی و سایر کشورها در زمان شاه عباس و ایجاد کنسولگری یا نمایندگی در عثمانی و کشورهای دیگر روابط بازرگانی بشکل اولیه سرمایه‌داری تجاری رشد کرد، محصولات از داخل ایران که بیشتر انواع ادویه‌ها، قالی، صنایع دستی را شامل می‌شد، توسط بازرگانان در خارج از کشور فروخته و به جای آن اجناسی که در ایران خریدار داشت وارد می‌شد. البته این مرحله نیز محدود به زمانی میشد که زمان قرار داد‌های صلح بخصوص بین ایران عثمانی برقرار بود. در جنگ‌ها دوباره شریان‌های بازرگانی به خطر افتاده و بازرگانی معلق می‌گردید. به این دلیل این نوع بازرگانی را شروه سرمایه‌داری تجاری نامیده می‌شود زیرا با انباشت ثروت مالی بین بازرگان قدرت تبدیل این سرمایه در صورت برنامه‌گذاری مناسب روابط تکنولوژیک و صنعتی می‌توانست به سمت هدایت سرمایه انباشته از تجارت جهت تولید و تامین ابزار و زیرساخت‌های آن بکار رود. اما این

اندیشه هرگز در ایران شکل نگرفت و تنها در مدت های بعد سرمایه داری تجاری به شکلی انگل وار بر داشته های کشور سوار شده و رشد کرد (بشیریه، ۱۳۸۶).

قطار تجمیع سرمایه و سوق یافتن آن به سمت تولید و شکل گیری سرمایه مولد همچنان تا پس از انقلاب مشروطه نا کام ماند. در هنگام پادشاهی پهلوی اول نوعی حرکت در ایجاد سمت دادن به سرمایه برای توسعه زیر ساخت ها و تنظیم بورکراسی و تجهیز ارتش شکل گرفت، که در چهار چوب منافع بلند مدت خط آهن و گسترش جاده ها و مهمتر اجباری کردن آموزش عمومی در کشور برای اولین بار در تاریخ ایران که از ارزو های افرادی چون امیر کبیر پس از ساخت دارالفنون بود، آموزش بصورت پرکننده و بصورت خصوصی برای تعداد کمی از نزدیکان مقام داران بدون یک نظم کلاسیک اما با روش علوم جدید موجود بود ولی این خلا عظیم که از عوامل اصلی دوری مردم از آفرینش علمی و درک امور مختلف کشور بود به واقعیت پیوست. این قانون در ششم مرداد ۱۳۲۲ با عنوان پرورش عمومی و مجانی توسط مجلس شورای ملی تصویب شد.

این یک ضرورت بود و یکی از خواسته های مشروطه طلبان، البته سایر امور انجام شده نیز توسط مشروطه طلبان مطرح گردیده و ایده اش پرداخته شده و پهلوی اول نیز به هر دلیل سعی در انجام آنها نمود. جذب سرمایه کلان در ساخت راه آهن یعنی تبدیل سرمایه دولتی در راه شکل دادن سرمایه مولد زیرا زیر ساخت مهمی در توسعه کشور بود. و خود به خود شغل و رشد اقتصادی را در تسریع حمل و نقل برای تولیدات کشاورزی و واردات از جنوب و انتقال به شمال را حمایت می کرد.

پس از پهلوی اول، پسرش پهلوی دوم خارج از کار کردهای سیاسیش در کشور در مورد سرمایه گذاری تقریباً همان راه پدر را پی گرفت. این زمانی است که بلوک های کمونیستی و سرمایه داری شکل گرفته و فلسفه اقتصادی و سیاسی هر کدام به روشنی مشخص است. اما پهلوی دوم نیز مانند سلفش یک روش مشخص در اقتصاد را پیش نگرفت زیرا نمی توانست بنیادهای اساسی فلسفی آن را در هیچ کدام از دو مسیر انتخاب کند. یک دیکتاتور با رقابت آزاد و شفاف و نظارت ارتباط برقرار نمی کند زیرا قدرت و جایگاهش از دست می رود. همچنین نمی تواند اصول کمونیستی و مشارکت عمومی در اقتصاد و ایجاد کمون ها و ورود به جرگه کمونیستی دنیا را باز به علت حفظ جایگاه خود بپذیرد. این عدم انتخاب آنچه را پیش رو می گذارد، برنامه های کوتاه مدت و نمایشی خواهد بود، بدینسان بود که سرمایه گذاری در کارخانه های بزرگ مانند ذوب آهن و مونتاژ اتومبیل و امثال آنها پیش گرفت، هر چند این موارد در جایی برای تقویت پایه اقتصاد مفید است اما قدرت ورود سرمایه عمومی و سرمایه گذار را در حد کنترل شده توسط قدرت تنظیم می کند. با دادن وام از طریق بانک ها به افراد مطمئن و قدری سرمایه شخصی آنان بعضی را وارد بازی تولید نمود (مصلی نژاد، ۱۳۹۵).

پس از انقلاب اسلامی در ایران سرمایه داری که می خواهد با پذیرش حد معقولی از ریسک دارائی خود را در مسیر مولد و یا همان سرمایه داری مولد جهت انباشت و گسترش تولید قرار دهد. از ابتدای پس از انقلاب اسلامی با تخاصم دولت های غربی و آمریکا نسبت به ایران روبرو شد، این شرایطی نبود که سرمایه گذار بتواند در آن احساس امنیت کند. به

این دلیل دولت‌ها خود وارد عرصه توسعه اقتصادی و گردش اقتصاد کشور شدند. اما آنان نیز بر اساس نگاه کلنگی یکی پس از دیگری افزاشته‌های دولت قبل را نا درست خوانده و خود مشی جدید می‌گرفتند، بر این منوال سرمایه‌گذاری دولتی در یک مسیر مشخص با یک تنوری بلند مدت مورد قبول یا حتی میان مدت خود را طی نکرد، هر چند سرمایه‌گذاری در زمینه گسترش جاده‌ها، خطوط هوایی، راه آهن و بخصوص افزایش چشم‌گیر تعداد دانشجویان و دانش‌جدید استفاده از اینترنت و خط تلفن همراه تلاش وافر نمود ولی چارچوبی مبنی بر جذب سرمایه در نگاه اقتصادی مشخص ایجاد نشد. (مومنی، ۱۳۹۳).

۴.۳. وضعیت سرمایه‌داری مولد در ایران

سرمایه‌داری مولد عموماً سوق پیدا کردن سرمایه‌مالی به سمت تولید است. این نوع سرمایه‌گذاری از دل سرمایه‌داری خصوصی یا سرمایه‌گذاری دولتی نشات می‌گیرد. سرمایه‌گذاری دولتی مانند دوره پهلوی دوم و یا هر ساختار سیاسی که در مسیر منافع حاکمیت تلاش کند حتی شوروی سابق تنها قدرت حاکمیت در تحمیل افکار و خواست‌های خود بر افراد یک کشور را تشدید می‌کند زیرا منبع زندگی افراد و در آمد آنها در دست دولت و اقتدارگرایان باقی می‌ماند و بدین سان توافقی با بازار آزاد و ورود سرمایه به این بخش مولد را ندارند. و تنها این اقبال در برخی موارد به معتمدین آنها واگذار می‌گردد با وام‌های کلان، اما ورود جریان سرمایه‌داری در سرمایه‌گذاری مولد بصورت آزاد و رقابتی باعث پویایی اقتصاد رشد در آمد ناخالص داخلی، شرکت در بازار رقابتی جهانی، بالا رفتن سرمایه‌گذاری خصوصی در دولت با پرداخت مالیات‌های بسیار بیشتر و هدایت دولت با نظارت مردمی به سمت افزایش رفاه، بهداشت، آموزش و پرورش، ورزش، و مواردی که هر فرد و خانواده در جامعه برای رشد خود به آنها نیاز دارد، ایجاد اشتغال از طریق سرمایه‌گذاری مولد در جریان جذب سرمایه در بخش توریسم یا هر بخش سود آور و اشتغال‌زا کشور را بسمت بهینه شدن شاخص‌های زندگی و سایر شاخص‌های قابل اندازه‌گیری سوق می‌دهد. در ایران شاخص‌های متعدد مربوط به توسعه در مسیرهای بیان شده در راندمان جهانی بسیار پائین است. البته شاید برخی نیز در حد متوسط باشد اما اغلب پائین است. که علت اصلی آن جذب نشدن سرمایه‌گذاری مولد در مسیر رفاه اجتماعی و توسعه کشور در جنبه‌های مختلف می‌باشد.

شرایط کنونی دنیا در جنبه اقتصادی به سرمایه‌داری وابسته است شکل گرفتن سرمایه‌داری و یا شکل اولیه بورژوازی در حرکت رشد اقتصادی هر کشور و استقبال از هر آنچه این راهبرد را مستحکمتر و میزان سوددهی را افزایش می‌داد، صورت گرفت. زمان انباشت طلا و چپاول ثروت‌های دیگر کشورها برای قدرت‌های بزرگ آن زمان مانند انگلیس و فرانسه و پرتغال، اسپانیا، آلمان رو به افول بود. فرهنگ جوامع از قرن شانزدهم با جهشی علمی در علوم تجربی و انسانی زبانی دیگر کوک کرده بود فرجام آن انقلاب‌های امریکا، فرانسه، انگلیس که نگرش انسان را به حقوق مداری تغییر داده بود در این راستا عبور از دنیای فئودالیت به مشخصات ارباب رعیتی وارد دنیای صنعتی می‌شد. مخالفت‌های ابتدایی برخی متمولین زمین دار با شکوفا شدن روند افزایش سود در استفاده از ماشین‌های کشاورزی و همچنین ماشین بخار برای

انتقال ذخایر کشت و کار آنها را قانع کرد که همچون بورژواها از سود آوری عرصه صنعتی شدن حمایت کنند این بیرقی شد برای تاسیس سندیکاها و منابع اطلاعاتی آزاد زیرا کارگران صنعتی حاضر نبودند شرایط ارباب رعیتی دوباره تکرار شود بخصوص اینک اغلب از زمین های کشاورزی وارد عرصه کار در صنایع شده بودند. این روند مقداری طول کشید و در نهایت ثبت شد. اینک آزادی دوری از استفاده غیر موجه طبقاتی خاص از قانون و امکانات رو به افول گذاشت. و قدرت جامعه به کمک شرایط مهم تقسیم کار و سپس تخصصی شدن آن جامعه را زنجیره محکمتری کرد. هر چند اسمیت یکی از بنیانگذاران اقتصاد آزاد و دست نامرئی بازار هرگز نامی از کاپیتالیسم نبرد، اما این مسیر به نحوی سیر کرد که سرمایه داری از دل آن زائیده شد. تشخیص جامعه بر این بود که روند موجود میزان فقر و ایجاد اشتغال و استفاده از رفاه را افزایش خواهد داد و این چنین نیز شد. آنچه رفت تاکید بر آن داشت که سرمایه گذاری مولد که نتیجه آن تولید در بازار آزاد و رقابتی باشد از دل سرمایه داری کلاسیک خارج می شود (مهرگان، ۱۳۹۳).

تا زمانی که این عرصه به روی سرمایه گذار باز نشود و قوانین مستحکم در حمایت از سرمایه او و میزان ریسک پذیرش در ایران همراه با روند فرهنگی مناسب برای توده مردم مبنی بر ضرورت آنچه دنیا در آن با دانش بشری پیش رفته انجام نشود، سیاست داخلی در شرایط فعلی ایران بست مدارا با جهان و آرامش درونی و بیرونی حرکت نکند، ریسک سرمایه گذاری در ایران بسیار بالاست و جذب سرمایه کاری بس دشوار حتی سرمایه گذاری مولد توسط دولت ها نیز فرجامی جز غرق شدن در فساد رانت و تجمیع سرمایه ندادند. (فریدریش، ۱۳۹۴).

بررسی آماری کشورهایی که حتی بصورت لیبرال دمکراسی یا سیوسیالیسم و حتی کمونیسم مانند چین با پذیرش بازار رقابتی نشان می دهد حضور سرمایه مولد باعث رشد و پایداری اقتصاد در سختی های طبیعی یا انسانی می شود. آنچه رشد اقتصادی و مهمتر توسعه همه جانبه با خود به همراه دارد رفاه بیشتر برای عموم مردم، افزایش طول عمر، دغدغه کمتر اقتصادی و ورود به عرصه فکری، انبوه شدن قشر متوسط و کاهش قشر فقیر، توزیع مناسبتر درآمد کشور، و بسیاری دیگر از وجوه آرامش بخش و لذت آفرین در زندگی می باشد، حس امنیت برای آینده فرزندان خواسته هر شهروند در هر کجای دنیا می باشد که افزایش سرمایه مولد یعنی سرمایه ای که در مسیر انباشد و سود بیشتر گسترش تولید را انتخاب می کند، علاوه بر افزایش رفاه کوتاه مدت به خاطر تولید اشتغال برای بلند مدت نیز خود را بروز رسانی می کند، تا در مسیر رقابت بازار آزاد دچار ورشکستگی نشود.

آسیب شناسی بسترهای سیاسی شکل گیری سرمایه داری مولد در ایران پس از انقلاب اسلامی

ایران در تکاپوی تاریخی خود از مزیت قرار گرفتن توسعه در راس امور هر دولتی محروم ماند. مدت های مدید جنگ های بی دلیل بر سر قدرت طلبی و یا گسترش مرزها توجه را از این امر اساسی حیات بشر دور ساخت. اینک اما با توجه به تغییر شکل روابط بین الملل به سمت، عدم دخالت در مرزهای مشخص هر کشور، ثبات پذیری، گسترش وابستگی متقابل به مفهوم افزایش همکاری، گسترش دمکراسی که خود باعث دخالت های بیجا ی برخی کشورها در سیاست های داخلی سایر ملت ها می شود، نحوه تعامل بین دولت ها نیز متغیر شده است. هر ملتی برای خود باورهای ویژه و فرهنگ

خاص خود دارد بدین دلیل اساسی قالب های دموکراسی قابل کپی پذیری نمی باشد. ایران از جمله این کشور هاست که مردمی با نگرش ویژه و فرهنگ ویژه خود را با تاریخی بلند و کمتر تغییر پذیر دارا می باشد. حاصل جمع این بیان بستر های ملی سیاسی و اجتماعی ایران را به دنیا عرضه کرده همچون هر کشور دیگری با تمایزات خود، در مورد واکنش به تجمع ثروت و ورود آن به عرصه تولید از نگاه تاریخی در ایران در بخش یک بحث شد. اینک از نگاه سیاسی و جامعه شناختی باید دید مردم و دولت ها و عوامل بیرونی و درونی چگونه ما را از شرایط کنونی قرار داده است. (طباطبایی، ۱۳۸۶).

اما طی حدود ۴۱ سال گذشته چه عواملی بیشتر جامعه را به سمت پذیری و کنش متقابل کشانده است. در واقع تاثیر کنش های سیاسی خارجی و داخلی چگونه در مردم منعکس شده و جامعه نگاه خود در تنظیم رابطه با قدرت را به چه روشی حل کرده. آیا این امور تاثیری در رشد اقتصادی و توسعه کشور بصورت پایه ای دارد؟ در دوره دولت ملت و عصر دنیای دیجیتال شفافیت رفتار سیاست مداران و عملکرد قدرت در هر کشوری افزایش یافته آگاهی ملت ها بیشتر شده اطلاع رسانی و آموزش همگانی تر و گسترش یافته تر نمود یافته است. اینک مردم خود سیاست مداران را انتخاب می کنند و قانون گذاران توسط خودشان انتخاب می شوند و نظارت کاملتری بر ساختار حاکمیت خود دارند. ایران پس از انقلاب اسلامی متحمل برخی شرایط ناخوشایند بیرونی و درونی شد که نتیجه آن کاهش در توسعه یافتگی بوده است. (ساعی، ۱۳۹۴).

۵.۳. عوامل داخلی

۱.۵.۳. جدایی طلبی و درگیری داخلی پس از انقلاب

هنوز روزهایی از انقلاب نگذشته بود که در بعضی از نقاط کشور شعار جدایی طلبی یا نوعی استقلال سر داده شد. منجمله در کردستان، نوعی درگیری در ترکمن صحرا، شلوغی در قسمت های عرب نشین خوزستان، این موارد تجمع نیروهای انقلابی را به سمت حل مشکلات این نواحی کشاند. از جمله نیروهای بسیار کار آمد شهید چمران در دولت موقت مرحوم مهدی بازرگان بود. که با تعدادی از سران ارتش، مانند شهید فلاحی و نیروهای مردمی. نسبت به مذاکره یا سرکوب این اقدامات مبادرت ورزیدند.

۲.۵.۳. عدم شایسته سالاری

در حال حاضر در ایران استفاده از نیروی مناسب شرط اول بکار گیری وی نمی باشد بلکه التزام به ساختار سیاسی کشور و نمادهای آن اصل قابل اعمال می باشد. هر چند طبق قانون اساسی مخالفی که اسلحه بدست نگرفته حق ابراز عقاید خود را دارد. این هزینه سنگین به کشور مدیران نالایق و ایجاد جایگاه های را تولید می کند که بر اساس ریا و تملق شکل بگیرد و اصولا کارایی خود در به عهده گرفتن یک شغل همراه با صداقت و شوق کاری را از فرد می گیرد. در جامعه نیز ایجاد رابطه بر اساس نوع پست کاری و عدم اعتماد به خود و سمت گرفتن به دوری را بسیار افزایش می دهد، همه اینها

جامعه را از آزاد منشی ابراز عقیده، انجام عمل صحیح بر اساس عقلانیت باز می دارد. نتیجه سر خوردگی و افسردگی و کاهش توان دولت-ملت می باشد.

۳.۵.۳. حضور سنگین نظامیان و شبه دولتی ها در عرصه بازار

در تکاپوی انسدادهای سیاسی بین ایران و سایر کشورها و نیاز به رشد نظامی کشور با تجربه حمله عراق، نظامیان برای درآمد بیشتر وارد بازار شدند، انواع شرکت های دولتی یا غیردولتی را خریدند. بدین ترتیب بازاری که برای رشد خود و یا همان رشد اقتصاد کشور باید عرصه رقابت سالم و پایاپای همواره قوانین حمایتی مشخص باشد عرصه دخالت در قیمت ها، نوسان ارز و کنترل بازار گردید. اموال دولتی به مزایده گذاشته می شد اما خریدار خصوصی وجود نداشت و یا شبه دولتیان یا نظامیان برنده مزایده ها بودند. این خود یکی از فشارهای سهمگین جهت شکوفایی اقتصاد در ایران گردید.

۴.۵.۳. کاهش ارزش پول ملی

هر کشوری که از نظر تولید ناخالص ملی و ذخایر ارزی خود با مشکل مواجه شود و همزمان با تورم سنگین و شرایط رکود اقتصادی دست و پنجه نرم کند یکی از اسباب های اساسی که می بیند کاهش ارزش پول ملی است. در ایران هر چند منابع مالی عظیم بصورت ذخایر زیرزمینی و معادن نفت و گاز و منابع پتروشیمی فراهم است، ولی پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مبنی بر اینکه قول داده بود از برجام خارج می شود، قشر متوسط ایران را به مرور در یک فشار روانی قرار داد، تجار که دیگر متخصص نا به سامانی اقتصادی و تاثیر سیاست در آن شده بودند. با هجوم سنگینی سعی کردند منابع مالی خود را به طلا و ارز خارجی بخصوص دلار تبدیل کنند، ایران با عقبه اقتصادی ضعیف که نه تولید کننده ویژه ای می باشد که حتی یک برند در بازار جهانی عرضه کند، که در تعامل جهانی موجب اثر باشد مانند ژاپن یا کره جنوبی، به ناگهان خود را در مقابل کاهش وجود ارز و طلا دید. پس از خروج رسمی آمریکا از برجام، میزان فروش نفت، و سایر فراورده های مرتبط به شدت سقوط کرد. ورود ارز دشوار شد و قیمت آن بسیار بالا رفت، دولت روش هایی برای کنترل این وضع پیش گرفت مانند پرداخت میزان مشخصی ارز در سال به هر نفر، افزایش قیمت ارز فروشی و پرداختی به تجار، افزایش میزان قیمت ارز مسافرتی و کارهایی در این سطح در جایی که برای افزایش میزان ارز و ارز آوری در هر کشوری تولید و استفاده مدیریت شده از بودجه کشور و رقابت بازار آزاد اهمیت دارد. در این مرحله تورم دوباره افسار درید، در آمد قشر متوسط کاهش یافت و همان روند سقوط قشر متوسط به فقیر و فقیر به فقر مطلق پدیدار شد. که این امر به شورش های مختلف در کشور منجر گردید. در این شرایط استفاده از سرمایه در مسیر تولید یعنی همان سرمایه گذاری مولد جای خود را به رفع و رجوع امور روزانه کشور داد با استراتژی چه پیش آید و سرکوب معترضان در هر کجا که باشند. در اینجا می توان از فرضیه تحقیق: وابستگی به در آمد های نفتی و کنترل دولت بر بخش اعظم اقتصاد مانعی برای رشد سرمایه داری مولد گردید دفاع کرد (رهنما، ۱۳۹۵).

۶.۳. عوامل خارجی

با بمباران فرودگاههای کشور جنگ رسماً بین ایران و عراق شروع شد که به مدت هشت سال با هزاران شهید، مجروح، اسیر و در طی بمب باران شهرها و ویرانی تعداد زیادی از مناطق مسکونی و زیر ساخت های کشور ادامه یافت. عراق با تسلیحات و فرماندهی آماده شروع به حرکت در خاک ایران کرد. خرمشهر را گرفت ابادان را محاصره کرد، و نهایتاً با مقاومت نیروهای مردمی، ارتش و سپاه در همان مناطق زمین گیر شد. اما اینک بخش وسیعی از کشور در زیر بیرق دشمن متجاوز قرار داشت. آیا در این شرایط امکان برنامه ریزی و ایجاد ثبات اقتصادی برای جذب سرمایه و حرکت به سمت توسعه بود؟ تمام کشور در دولت نخست وزیری میر حسین موسوی و ریاست جمهوری علی خامنه ای امکانات خود را برای مقابله با تجاوز و نجات کشور بسیج کرده بودند.

در اینجا فرضیه دیگری در تحقیق قابل دفاع می گردد: "وقوع جنگ تحمیلی شرایط نامساعدی برای رشد سرمایه داری مولد در ایران پس از انقلاب اسلامی ایجاد کرد."

پس از گروگان گیری سفارت امریکا در ایران بسیاری از کشورها بخصوص خود امریکا تحریم ها و برخوردهای شدید سیاسی و بین المللی را با ایران آغاز کرده بودند. در این میان عراق از کمک نظامی و اطلاعاتی این کشورها حداکثر استفاده را نمود تا شاید هدف کشورهای تحریم کننده و امریکا برای تغییر رژیم در ایران عملی شود. در اینجا هدف بررسی امور جنبی جنگ و عوامل شروع و طولانی شدن آن را مطرح نکرده بلکه تاثیر آن بر اساس فرضیه به تاثیر بر سرمایه گذاری مولد دیده خواهد شد.

پس از جمع بندی حاکمیت تمام ساختارهای تولیدی و نظامی به سمت مناطق جنگی سوق پیدا کردند. این کار عملاً کشور را وارد حل کردن مشکل جنگ نمود و امور توسعه کشور به کناری رفت، بدیهی است این از عواقب هر جنگی در هر کجای دنیا می باشد. کمبود کالاها با پرگه های کوپن و تقسیم اجناس ضروری خانواده توسط آن شکل گرفت. این نوع سیاست ها به عنوان سیاست های سوسیالیستی دوران میر حسین موسوی مطرح شد، که خود را از عدالت محوران در بین اقشار محروم جامعه می دانست و سیاست ها را بر اساس این دیدگاه تنظیم می نمود. در این دوره به علت ریسک بالای سرمایه گذاری در ایران و نگاه دولت محور حاکمیت عملاً جذب سرمایه و سوق یافتن آن در تولید از بخش خصوصی خارج شد و دولت نیز سعی میکرد با حداقل مبالغی که از بودجه سنگین جنگ باقی می ماند شرایط مراکز محروم را بهتر کند. (دیلینی، ۱۳۹۳).

۲.۶.۳. شورشهای مسلحانه داخلی در زمان جنگ

در همان زمان جنگ برخی سازمانها و گروهها که در زمان محمد رضا پهلوی با او در برخورد مسلحانه بودند، و دارای قدرت سازماندهی سریع تشکیلاتی و داشتن تسلیحات دوره درگیری آخرین روزهای انقلاب بودند. جهت گرفتن سهم از قدرت و مشارکت در ساختار سیاسی سر به شورش برداشتند. سازمان مجاهدین خلق ایران به رهبری مسعود رجوی

، سازمان چریک‌های فدای خلق ایران اقلیت، سازمان پیکار ، سازمان زحمتکشان ایران ، و... در سی تیر ۱۳۶۰ سازمان مجاهدین خلق عملاً وارد پروسه برخورد نظامی با حاکمیت شد. در این میان با عملیات کور کسانی که آن‌ها حزب الهی یا طرفدار نظام می خواندند با مواد منفجره یا شلیک گلوله مورد ترور قرار می گرفتند از مشاهدات میدانی: مغازه‌های در شهر ما که صاحبش مشهور به حمایت از حاکمیت و از اعضا هیت مسجد جامع شهر و فرد خیری بود، که بعد ها فوت نمود ، مغازه اش به این جرم مورد پرتاب دو عدد سه راهی قرار گرفت و منجر به جراحت دو مشتری مغازه گردید یکی از یک چشم نابینا و دیگری از اندام های مخلف مجروح شد . این را برای نمونه ای از این رویکرد سازمان مجاهدین در شهرهای کوچک تا شهر های بزرگتر بیان شد. هر چند سابقه بعدی این سازمان در زمانی که کشور در جنگ با متجاوز خارجی بود بسیار تاسف بار تر بود که حتی در تاریخ بتوان نام آنرا یک سازمان سیاسی در یک کشور خاص گذاشت که با دشمن کشور خود که حال جنگ با کشورش بود ، نام سیاست و راهبرد و هر آنچه می توان بر یک گروه سیاسی داخل کشوری را بر آن پایه نهاد زیر پا گذاشت و با آن دشمن بر علیه کشور خود متحد شد و شروع به عملیات در خطوط عملیاتی بر علیه نیروهای ایرانی مستقر در مرزها نمود . مشاهده میدانی دیگر : که برای ماهیت تاریخی این سازمان در این مورد لازم است بیان شود ، در سال ۶۶ ما در مناطق عملیاتی علاوه بر داشتن یک دیدگاه در جلو گروهان باید یک دیدگاه نیز در پشت گروهان قرار می دادیم زیرا نیروهای سازمان مجاهدین خلق از قسمت هایی بصورت شناسایی عبور می کردند و از پشت با تسلط کامل به زبان فارسی اقدام به کشتار تعدادی نیرو حال چه سپاه یا بسیج یا ارتش می کردند و از منافذ ورودی فرار می نمودند . آنچه تا اینجا می بینیم این است که ایرا از ۵۷ تا پایان ۶۷ عملاً در جنگ و مخاصمه داخلی بوده است . که باعث تزلزل در جذب سرمایه و سرمایه گذاری مناسب توسط دولت شود(جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴).

۳.۶.۳. تقویت بنیادگرایی و هرج و مرج

ظهور داعش در کشور همسایه ایران و رفتار غیر انسانی آنها دنیا را نسبت به حوادث این منطقه بشدت حساس کرد از سوی دیگر جنگ داخلی در سوریه نیز باعث رشد گونه های متفاوت و ویروس های افراط گرایی و خارج از عقلانیت گردید . این وضع شرایط را برای جذب سرمایه گذار و ایجاد شرایط رشد اقتصادی بسیار نا مناسبتر نمود . و تاثیر آن بر مردم کشور کاهش درآمد و افزایش تورم همراه با دلسردی و فشار بیشتر در حذف پیوند دولت-ملت را مهیا ساخت.

۴. نتیجه‌گیری

حکومت‌های مختلف در راستای توزیع مناسب قدرت و هماهنگی با جامعه و خواست‌های جامعه مدنی هرگز ابایی از رشد فکر سیاسی و ورود افراد به چرخه دانسته‌های سیاسی و کنترل سیاسی کشور توسط جامعه مدنی ندارند. بلکه آنرا تشویق می‌کنند چون متعهد به رشد کشور و توسعه در همه زمینه‌ها هستند و اگر جایی از کنترل مرکزی خارج شد این جامعه مدنی است که با افشاگری جلوی رشد فساد و بهره‌وری از حمایت قشر ضعیف و کارگر جامعه را می‌گیرد و منادیان پرولتاریا جایی برای جولان در ساختار حاکمیت و به چالش کشیدن آن پیدا نمی‌کنند. هر چند می‌دانیم نظام سرمایه‌داری کنونی نیز نیاز به اصلاح واقعی دارد و ۹۹+۱ قابل دوام نیست انباشته‌هایی از پول در کنار کشورهایی که از فقر گرسنگی و نداشتن آب نوشیدنی در زجر هستند و اموال آنها در دست تریلیاردرهایی می‌باشد که حتی وجدان هزینه کردن برای آنها را ندارند اینجاست که باید قوانین را نشانه رفت و تغییرات اصلاحی در آنها ایجاد کرد.

در پی بحث شایسته‌سالاری باید اینجا مطرح کنیم که خروجی عدم شایستگی و تنها انتخاب مدیران بر اساس وابستگی‌های حاکمیتی، و گرایش‌های فکری نزدیک به آن، آنچه را از بین خواهد برد قدرت خلاقیت، نوآوری، استفاده بهینه از ابزار، افزایش بهره‌وری، راستی و شفاف‌گویی در مقابل خطاها در کارکرد، و حس مسئولیت در مقابل وظایف است. زیرا مرجع ورود خود به مدیریت را این شاخصه‌ها نمی‌داند که به آنها مقید باشد در نتیجه به واسطه‌هایی که باعث رسیدن او به مقامی شده بسیار بیشتر توجه می‌کند تا مورد غضب واقع نشود و رانت خود را در این ساختار رانتیر از دست ندهد. این روش از بالا به پایین در این چند دهه مستمر ادامه داشته و با این شرایط ادامه خواهد داشت، تعهد من دفاع از مافوق و سفارش‌کننده من است و هدف سفارش‌کننده یا مافوق اتکا به نیروی قابل اعتماد جهت ثبات شرایط خود و همچنین افزایش قدرتش در جایگاه آن فرد نیز می‌باشد، تا دستش برای معاملات رانتی بازتر باشد. هیچ رزومه کاری و مدیریتی و ارزیابی صحیح برای بالا رفتن جایگاه کاری در سیستم دولتی بجز نزدیکی به قدرت و در محدوده سفارش قرار گرفتن وجود ندارد. این فساد نهادینه سرمایه‌های عظیم انسانی و مادی و مالی را در کشور از بین می‌برد. این تحلیل را شاخه توسعه و نیروی انسانی بسیار وسیع است، اما همین کم‌حدیث مفصل را می‌گشاید.

منابع

- ازغندی، علیرضا، (۱۳۹۱)، *در آمدی بر جامعه شناسی ایران*، تهران: نشر قومس
- اورز، آتیلا، (۱۳۸۶)، *دولت در تاریخ اندیشه غرب*، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر فرزانه
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۶)، *گذار به مردم سالاری*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۴)، *آزادی فرد و قدرت دولت*، ترجمه محمود صناعی، تهران: نشر هرمس.
- دیلینی، تیم، (۱۳۹۳)، *نظریه های کلاسیک جامعه شناسی*، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی.
- رهنما، سعید، (۱۳۹۵)، *گذار از سرمایه داری*، ترجمه پرویز صداقت، ایران: نشر آگاه.
- ساعی، احمد، (۱۳۹۴)، *توسعه در مکاتب متعارض*، چاپ هفتم، ایران، نشر قومس.
- طباطبایی، سید جواد، (۱۳۸۶)، *نظریه حکومت قانون در ایران*، جلد دوم، ایران: نشر ستوده.
- فریدریش، آگوست فون هایک، (۱۳۹۴)، *فردگرایی و نظم اقتصادی*، ترجمه محسن رنجبر، ایران: نشر مرکز.
- فشاهی، محمد رضا، (۱۳۶۰)، *تکوین سرمایه داری در ایران*، ایران: انتشارات گوتنبرگ.
- مصلی نژاد، عباس، (۱۳۹۵)، *دولت و توسعه ی اقتصادی در ایران*، چاپ دوم، ایران: نشر نی.
- مومنی، فرشاد، (۱۳۹۳)، *اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری*، چاپ دوم، ایران: نشر نقش و نگار.
- مهرگان، نادر، (۱۳۹۳)، *سرمایه داری خیزش-خیانات-خدمات*، ایران: نشر نور علم.